



۲۰۲۱/۰۹/۲۵



حامد نوید

سرنوشت

ترجیع بندی بر مطلع غزل پدرم مرحوم غلام احمد نوید

"گه آسمان مخالف گه بخت سرگران است
ای وای سرنوشتم در دست این و آن است"

عمریست کشتی ما بر موج خون روان است
گاهی فلک به خشم و گه باد در فغان است
هرسو نظر نمائی دریای بیگران است
خورشید زند گانی در ابرغم نهان است
"گه آسمان مخالف گه بخت سرگران است
ای وای سرنوشتم در دست این و آن است"

در خاک و خون فگندند آن پاک میهنم را
پامال خشم کردند گل های گلشنم را
آتش فراگرفته هرکوی و برزنم را
ای کردگار بشنو آخر تو شیونم را
کاواز ما ضعیفان در گوش ها گران است
ای وای سرنوشتم در دست این و آن است
آواره وطن را جز قلب چاک نبود
دردی به سینه ما جز درد خاک نبود

عشاق راستین را بیم از هلاک نبود
گر دشمنان به تیغم بندند بساک نبود
هر شکوه ایست در دل، از جور دوستان است
ای وای سرنوشتم در دست این و آن است
پروردگارا لطفی از اوج بیکران کن
ای صبح روشنی بخش، روشن تو آسمان کن
منزل بود بسی دور، رحمی به کاروان کن
وی نای ساربانان بار دگر فغان کن
کاین کاروان هستی بی ساربان روان است
ای وای سرنوشتم در دست این و آن است
ای هموطن مگر چند از آز درگدازیم
دست طلب به هر سو پیوسته در نیازیم
با حکم غیر تاکی بر همدگر بتازیم؟
باز آ که این وطن را با دست خود بسازیم
تا کس دگر نگوید این قوم نا توان است
یا اینکه سرنوشتش در دست این و آن است

با عرض ارادت حامد نوید



برای مطالب دیگر حامد نوید روی عکس کلیک کنید